

# چند پاسخ

- از رفا می‌خواهیم در طرح سئوالات به نکات زیر توجه کنند:
- ۱- سئوالات خود را یک روی کاغذ، یک خط درمیان و خوانا بنویسید. حتما یک یا دو حرف الفبا و با یک اسم مستعار را در زیر نامه‌ی خود قید کنید و تاریخ را نیز فراموش نکنید.
  - ۲- ما بعلمت محدودیت صفحات رهایی قادر به نقل تمام نوشته‌ها نیستیم. بدیهی است که در در مواردی که سئوالها بطور مشخص جمع‌بندی شده‌اند، ناچاریم بنحوی پاسخ دهیم که مفهوم سئوال از پاسخ استنباط شود. این مسأله اخیرا موجب استفسار تعدادی از رفا شده است. بنابراین ضمن طرح پیشنهادات، انتقادات و اخبار و اطلاعات خود که در پیشبرد فعالیت مبارزاتی ما موثرند، سئوالات خود را نیز بطور مشخص و خلاصه فرموله کنید تا تسهیل بیشتری در "چند پاسخ" فراهم گردد. در همین زمینه، جدا کردن و طبقه‌بندی مطالب تحت عنوان "پیشنهادات"، "انتقادات"، "سئوالات"، "اخبار و اطلاعات" و غیره در تسریع پاسخ به سئوالات موثر خواهند بود.
  - ۳- به هنگام طرح سئوال و نقل قول، حتما تیتر مقاله (یا کتاب)، شماره‌ی رهایی و شماره‌ی صفحه را قید کنید. نقل قولها را حتما از بقیه‌ی نوشته متمایز و مشخص کنید.
  - ۴- اگر رفا پاسخ نامه‌ی خود را (چه بصورت پاسخ به سئوالات و چه بصورت اشاره به دریا نامه) تا چهار شماره‌ی نشریه (البته شماره‌هایی که دارای صفحه‌ی چند پاسخ هستند) مشاهده نکردند، ضروریست که سئوال خود را، با رعایت نکات بالا، مجددا طرح کنند. زیرا به نامه‌هایی که نکات فوق را رعایت نکنند، با معذرت، منبسط پاسخ داده نخواهد شد.
  - ۵- ضروریست که رفا سئوالات خود را با توجه به نظرات ارائه شده‌ی سازمان و یا برای اطلاع از مواضع سازمان طرح کنند.
  - ۶- بدیهی است که پاسخ برخی از سئوالات ممکنست در مقالات و یا پاسخ به سئوالات دیگران آمده باشد.

● رفیق ...

ایراد تودر مورد لحن تندپاره‌ای از مقالات رها شکی درست است و ما این انتقاد را می‌پذیریم و سعی میکنیم آنرا تصحیح کنیم. ایراد توبویژه در رابطه با مقالات مربوط به رزمندگان عنوان شده و نیز ذکر صفت "البدنگ" برای رئیس جمهور، در مورد اخبار این اصطلاح بنا بر نقل قول از آیت الله منتظری بوده که چون نقل قول هنگام تا پجا افتاده است عبارت بان مورتی که موردا ایراد بوده در آمده است. ما نیز معتقدیم که برخورد سیاسی نباید جای خود را بفشش بدهد و از تودر باب تذکرات این مسئله متشکریم.

● رفیق رحیم - ی - ب

۱- سئوال تو اینست که در عمار امیربالیم، بورژوا - دموکرات بودن ممدق چه مفهومی میتواند داشته باشد. جواب اینست که در درون بورژوازی نیز گرایشهای مختلفی از نظر شبه حکومت وجود دارد. بعضی خواهان دموکراسی بورژوازی هستند و بنا بر این بورژوا - دموکرات نامیده میشوند و برخی گرایش های ضد دموکراتیک دارند. البته این نکته نیز وجود دارد که بورژوا - دموکراتهای جوامع امپریالیستی این

دموکراسی را برای جوامع خود می‌خواهند و نه برای جوامع پیرامون. ما در نوشته‌های مختلف و بطور خاص در دفتر - بحران سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش نیروهای چپ توضیح داده‌ایم که این جهت کلی حرکت امپریالیسم است و بطور نمونه‌ای مورد جمهوری دومینکن را تشریح کرده و با تاکیدن مشاهدات توام شومسکی بر شیوه‌های مستبدانه بورژوا - دموکراتهای جوامع امپریالیستی در کشورهای پیرامون انگشت گذارده‌ایم.

۲- سئوال کرده‌ای که در رابطه با مسئله ملی شدن نفت

پرولتاریا چه موضعی می‌بایست اتخاذ کند. تردیدی نیست که پرولتاریا می‌بایست از این امر دفاع کند و ما هیچ جایز این چیزی ننوخته‌ایم. معذرا معتقدیم که آن بخش از ملی کردن که مربوط به لفا و متبا زولخ پیدا شرکت سابق نفت بود باید از بخش دوم آن که مربوط به تملک جدید این منابع بشود تفکیک شود. در این قسمت دوم البته نظر پرولتاریا بـ بورژوازی متفاوت است.

۳- در مورد نحوه کمک پرولتاریای یک کشور که در قدرت است به پرولتاریای سایر کشورها سئوال کرده‌ای. این امر وسیعتر و متنوع تر و پیچیده تر از آن است که در این صفحه بتوان به آن پاسخ داد. باید هر مورد مشخص را تحلیل کرده و راه‌های آن را بررسی نمود. همینقدر بگوئیم که اگر پرولتاریا در کشوری به قدرت برسد راه کمک رسانی و کمک گیری مسدود نیست. هما تقدرا این بخش از پرولتاریا وظیفه کمک - دهنده دارد که سایر بخشهای پرولتاریا در نقاط دیگر جهان وظیفه کمک رساندن به آنها دارند.

۴- نه! ما معتقد نیستیم که استقرارنشانی - ونه شروع به ساختن سوسالیم - در یک جا معه پیشرفته میسر است.

● رفیق م - ب

منظور ما از عبارت "روابطی که ما بین ما نند جمهوری‌های دموکراتیک در بحران سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش نیروهای چپ هما نظور که حدس زده‌ای در محدوده‌ی مناسب است - مایه دار است. اینکه این امر امکان استقرارنشانی دارد یا نه، سئوالی است که بان مگرا "پاسخ داده‌ایم. نه.

● رفیق رزم آور

۱- ایراد تودر مورد اینکه کشورهای بظا هر مترقی عرب نیز در حقیقت مرتجع هستند درست است (البته بجزیم جنوبی

که هنوز تا زمانیکه دارای رژیم نخبیت شده نسبت حکم مطلق در مورد آن نمیتوان داد. این کشورها همه سرمایه داری هستند و طبقه کارگر را سرکوب میکنند. اگر چنین عبارتی از جانب ما بکار رفته تمام است. منظور این بوده است که جلوه‌های از سیاست خارجی این کشورها نسبت بوده است و منظور بهیچوجه مناسبات تولیدی نبوده است.

۲- هم ما هم سایر نیروهای اپوزیسیون در مورد ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران کم کار کرده ایم و این ضعف بزرگ ماست. فقدان آمار و مطالعات قابل اعتماد کم - کاری اپوزیسیون در ارزیابی وضع تاحد توان موجب این امر بوده است. انجام این کار بطور جامع به تنهایی از عهده سازمانی به اندازه ما خارج است ولی امیدواریم بتوانیم ادای سهم کنیم.

● رفیق ح

سوال کرده‌ای:

۱- تفاوت شعار زندانی سیاسی آزاد با...  
 گردد! و زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد چیست؟  
 رفیق باین سوال در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۶۴ رهایی پردا - خته شده است. تفاوت، فکر میکنیم، روشن باشد. وقتی شما شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را تبلیغ میکنید باین معناست که شما معتقدید هیچکس بخاطر عقاید سیاسی - صرف نظر از اینکه آن عقاید سیاسی چه هستند - نباید زندانی گردد. این میتواند هم شامل زندانیان انقلابی (از نقطه نظر ما) و هم غیر آن گردد. اصول بر اینست که آنها بخاطر داشتن عقاید سیاسی نباید زندانی شوند. و اما شعار ظاهر چپ زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد بنظر ما بطور اتوماتیک به این معنا است که افراد غیر انقلابی را میتوان بخاطر داشتن عقاید سیاسی زندانی کرد. بر این مبنا باید یک نظام تفتیش عقاید (دقیقا) ترون وسطایی براه انداخت که هر کس را که انقلابی نباشد (رفرمیست، لیبرال، "لیبرال" - رویزیونیست و هر کس دیگری را که ما!! انقلابی ندانیم) زندانی سازد. و با اینکه رژیمهای مختلف را بخاطر زندانی کردن آنها (حداقل بخاطر این عمل) مورد تأیید قرار داد. بنابراین اعتقاد ابرادی نخواهد داشت که رژیم جمهوری اسلامی مثلا توده‌ای و اکثریتی را زندانی کند بلکه اگر فقط خود ما را زندانی کند کار بدی کرده است. و کسی را که از حقوق دموکراتیک حتی یک بخش از جامعه دفاع نکند بواقع نمیتوان دموکرات نامید چه رسد کمونیست! توجه داشته باشیم که دموکراسی و حقوق دموکراتیک متعلق به تمام اقشار جامعه است. بهمین خاطر است که شما مبارزه‌ی دموکراتیک را محدود به طبقه‌ی کارگر نمیکنید و سعی در بسیج اقشار دیگر اجتماعی نیز مینمائید.

۲- تفاوت شعار وحدت کمونیستی و بیکار در چیست؟  
 تفاوت در اینست که سازمان ما معتقد به شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" است و سازمان بیکار به شعار "زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد!" و تفاوت خود این دو شعار را در فوق توضیح دادیم. تفاوت اصلی همانطور که روشن است در تفاوت بین مارکسیسم انقلابی و استالینیسم است. تفاوت در بین دموکراتیک و بیش از حد دموکراتیک است. شعار بیکار ریشه در بینشی دارد که زندانی کردن و کشتار میلیونها کمونیست انقلابی را (که حزب استالینیستی آنها را ضد انقلابی میدانست) توجیه میکرد. و برآستی چه کسی تصمیم میگردد انقلابی کمیت؟ شما فقط به نوشته‌های بیکار راجع به جریانات چپ توجه کنید (فعلا گرایش دیگر بکنار). راه کارگر سانتریست است. سازمان وحدت کمونیستی ضد انقلابی

است. اولیت سانتریست است... چه کسی انقلابی است؟  
 جواب روشن است: سازمان بیکار.  
 اگر این استدلال را به نتیجه‌ی منطقی آن برسانیم، شعار "زندانی سیاسی بیکار آزاد باید گردد!" مرتبتر و دقیقتر خواهد بود.  
 خلاصه کنیم. بنظر ما هیچکس نباید به صرف داشتن عقاید سیاسی زندانی باشد. در مورد این مساله در سر مقاله‌ی شماره‌ی ۶۴ رهایی توضیح دادیم:  
 "اگر ما خواهان محکومیت عوامل رژیم شاه مخلوع هستیم این امر نه بخاطر عقیده‌ی این عوامل بلکه بخاطر جنایاتی است که مرتکب شده اند و گرنه باید بساط تفتیش عقاید را براه اندازیم و هر بی‌نواسی را که در درون مثلا طرفدار شاه است مثلثه کنیم. حال آنکه طرفداران شاه را بخاطر جنایاتی که کرده‌اند و نه دل بستگیشان به شخصی شخصی آریا مهر محکوم میکنیم و معتقدیم برای این جنایات باید مجازات شوند. بهمین سبب توضیح داده‌ایم که شخصی مثل قطب زاده را به لحاظ خیانت - جنایاتی که کرده است محکوم میدانیم و نه به شیوه‌ی حزب جمهوری اسلامی بخاطر اختلافات او با این حزب و عقاید شخصی اش... شمشیر قتل بیرون شاه، جمهوری اسلامی، رویزیونیسم، تروتسکیسم، شروع کرده و بالاخره به اندرون، به جناحهای مختلف درون کمیته‌ی مرکزی میرسد. "آموزگار کبیر پرولتاریا" نسخه‌ی اصیل این مشی را ارائه داده است چگونه میتوان از او امر پیشوا تخطی کرد."

● رفیق م

با توجه به سرمقاله‌ی رهایی شماره‌ی ۵۹ رهایی دربارهی برخورد مجاهدین به "لیبرالها" سوال کرده‌ای که "آیا مجاهدین نیز مانند چریکهای فدایی خلق (اکثریت) جزء ضد انقلاب محسوب میشوند؟ و اینکه باید بین این دو نیرو فرقی گذاشت یا نه؟"  
 در پاسخ به این سوال باید بگوئیم که برای فدائیان خلق (اکثریت) برخورد به جناح حزبی یک برخورد استراتژیک است. بدین خاطر که آنها معتقد به "راه رشد غیر سرمایه‌داری" (و در واقع راه رشد سرمایه‌داری) هستند و در نتیجه پشتیبانی آنها از حزب جمهوری اسلامی و استراتژی آن یک حمایت استراتژیک و دراز مدت است.  
 ولی مجاهدین نه به "راه رشد غیر سرمایه‌داری" اعتقاد دارند و نه مدافع و مبلغ و معتقد به حفظ مناسبات سرمایه‌داری هستند. بنابراین، و بنا بر ادعای خود آنها، برخوردشان نسبت به لیبرالها یک برخورد تاکتیکی است. به اعتقاد ما این یک تاکتیک اشتباه است زیرا در مقابل ایجاد توهم جدید برای مردم پاسخگو نیست که اینرا در مقالاتی توضیح داده‌ایم. بنابراین تا زمانیکه مجاهدین خلق رسماً و در عمل از استراتژی "لیبرالها"، یعنی یازسازی سرمایه‌داری، دفاع و حمایت نکرده‌اند نمیتوان آنها را ضد انقلابی دانست، زیرا آنها هنوز در صف نیروهای سرمایه‌داری قرار ندارند و حتی المقدور نباید گذاشت و یا باعث شد که در آن صف قرار گیرند. ولی چریکهای اکثریت هم اکنون در آن صف قرار دارند.



برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی‌دگر باید